

# تک‌عبارتی<sup>۱</sup> پنهان در مابعدالطبیعه ابن سینا:

## تأملی در استعمال اصطلاح «أئیت» و «أئیت» در الهیات شفا\*

نوشته: آموس برتولاچی

مترجمان: سید مهدی حسینی<sup>۲</sup>، مستانه کاکائی<sup>۳</sup>

### چکیده

تصحیحی انتقادی از شاهکار مابعدالطبیعی ابن سینا - الهیات شفا - بسیار ضروری است تا بتوان مکتب فکری مابعدالطبیعی مؤلف آن را مورد ارزیابی قرار داده و میزان تأثیرپذیری او از ارسطو و سنت فلسفی مشائی را در ترازوی سنجش قرار داد. اصطلاح مطرح شده در این مقاله، عنوان «مقاله الأولى» الهیات شفا را به خود اختصاص می‌دهد که در آن اصطلاح «أئیت» که در نسخه‌های چاپی موجود از الهیات نیز همین اصطلاح متداول است، به احتمال زیاد باید به «أئیت» تغییر پیدا کرده و تصحیح شود. استعمال واضح و مبرهن اصطلاح دوم («أئیت») در دیگر بخش‌های کتاب شفا (همان‌طور که در نسخه‌های موجود به اشتباه «إئیت» ضبط شده)، علی‌الخصوص نسبت به بازنویسی رساله ایساغوجی مدخل فروریوس توسط ابن سینا، این تصحیح مطرح شده را مورد تأیید قرار می‌دهد و نشان می‌دهد که ابن سینا در آثار خود، از جمله الهیات شفا که قویاً به الگوها و ساختارهای فکری فارابی وابسته است، تلاش کرده تا اصول و اصطلاحات به کاررفته توسط کندی را به خوبی جای دهد.

ژورنال علم‌انسانی و مطالعات فرهنگی

۱- "Harax legomenon" (ἄραξ λεγόμενον) اصطلاحی یونانی است و به کلمه‌ای اطلاق می‌شود که تنها یک‌بار در سراسر یک متن به کاررفته باشد. در مطالعات ادبی و زبان‌شناسی، این کلمات از نظر آماری و تحلیلی بسیار بحث‌برانگیز هستند، چرا که ممکن است درک معنایی آنها به دلیل نداشتن مشتقات دیگر دشوار باشد.

\* با سپاس فراوان از دیمیتری گوتاس (دانشگاه ییل) به جهت خواندن دقیق و نظرات باارزش او درباره نسخه اولیه این مقاله. مایلم از رابرت ویسنوفسکی، اسد احمد، هایدرون ایشرو و هانس دایبر به خاطر سهیم کردن اطلاعات در مورد نسخ خطی آثار ابن سینا با من، سپاسگزاری کنم. همچنین از کتابخانه الازهر قاهره، به‌ویژه آقای مهدی شلتوت، Center for Documentation of Cultural and Natural Heritage (CULTNAT) کتابخانه اسکندریه، به‌ویژه مدیر آن دکتر فتحی صالح، به خاطر ارائه کپی نسخ *al-Azhar, Beirut 331 falsafa*. تشکر می‌کنم. از به ویراستاران این مجموعه به خاطر توصیه‌های مفیدشان در مورد محتوا و سبک نگارشی بسیار سپاسگزارم.

۲- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علامه طباطبائی. Mehdi.Hosseini9@protonmail.com

mastaneh.kakaay@gmail.com

۳- دانش‌آموخته دکتری فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی.

مقاله حاضر، برجسته ترین اثر مابعدالطبیعی ابن سینا به نام «الهیات شفا» که مشتمل بر ده مقاله است را مورد بررسی قرار می دهد؛ اثری که بخش چهارم و پایانی مشهورترین مجموعه منطق، طبیعیات، ریاضیات و مابعدالطبیعه ابن سینا را تشکیل می دهد. الهیات شفا از منظرهای مختلف و جنبه های متفاوتی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. اولاً، الهیات شفا مبسوط ترین اثر ابن سینا در باب مباحث مابعدالطبیعی است. ثانیاً، این اثر در ارائه و تحلیل مباحث مابعدالطبیعی، بیشترین ارتباط و پیوند را با کتاب مابعدالطبیعه ارسطو دارد. ثالثاً، الهیات شفا یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین آثار ابن سینا محسوب می شود، چرا که پخش و انتشار گسترده ای در جهان اسلام پیدا کرد و اندکی پس از آن نیز به زبان لاتین ترجمه شد و از این رو، تأثیر عمیق و ماندگاری بر فلسفه مسیحی بر جای نهاد. هدف من در این مقاله، نشان دادن ضرورت تصحیحی انتقادی از الهیات شفا است؛ چرا که نشان خواهم داد که چگونه تصحیحی ظاهراً جزئی در متن این اثر، می تواند تأثیرات بسیار عمیقی بر فهم ما از اندیشه های مابعدالطبیعی ابن سینا، منابعی که وی از آنها بهره برده و الفاظی که به کار برده، داشته باشد.

من در موضع دیگری نشان داده ام که دانش فعلی ما از کتاب الهیات، تنها بر پایه بخش بسیار محدودی از مجموعه غنی و عظیم نسخ خطی این اثر است و هیچ یک از نسخه های چاپی آن (چاپ سنگی تهران، ۱۲۶۴ شمسی؛ چاپ فعلی قاهره، ۱۹۶۰ میلادی، توسط گروهی متشکل از چهار محقق؛ و نسخه چاپی قم، ۱۳۷۶ شمسی، توسط حسن زاده آملی) با معیارهای لازم برای تصحیح انتقادی دقیق و علمی منطبق نیستند.<sup>۱</sup> در واقع تصحیحات اولیه من برای نسخه قاهره - بر اساس مقایسه متن تصحیح شده توسط جورج شحاته فنواتی<sup>۲</sup>، سعید زاید<sup>۳</sup>، محمد یوسف موسی<sup>۴</sup> و سلیمان دنیا<sup>۱</sup> با چند نسخه خطی دیگر و نیز ترجمه

1. See A. Bertolacci, *The Reception of Aristotle's Metaphysics in Avicenna's Kitāb al-Šifā: A Milestone of Western Metaphysical Thought*, Brill, Leiden-Boston, 2006, pp. 483-485. Id., "On the Manuscripts of the *Ilāhiyyāt* of Avicenna's *Kitāb al-Šifā*", in *Islamic Thought in the Middle Ages. Studies in Text, Transmission and Translation*, in Honour of Hans Daiber, ed. A. Akasoy, W. Raven, Brill, Leiden 2008, pp. 59-75.

2. G.C. Anawati

3. S. Zayed

4. M.Y. Moussa

لاتین قرون وسطایی و بخش‌های مشابه از «کتاب النجات» ابن‌سینا - در جوانب مختلفی راهگشا و کارساز بودند. برای مثال، آن‌ها از اصول دیگری که ابن‌سینا در آن‌ها از مابعدالطبیعه ارسطو متأثر بوده، پرده برمی‌دارند و نیاز به اعمال تصحیحاتی را که در دیگر آثار ابن‌سینا با کتاب الهیات همتراز هستند را مطرح می‌سازند. علاوه بر این، آن‌ها روشن می‌سازند که چگونه عبارات و اصطلاحات متداول مؤلفان عرب متأخر، موجب تحریف متن اصلی ابن‌سینا شده است و آنها حتی این امکان را فراهم می‌آورند تا در تصحیح انتقادی بسیار عالی ترجمه لاتین الهیات شفا، برخی اصلاحات صورت گیرد.<sup>۲</sup>

در بسیاری از تصحیحاتی که تاکنون ذکر کرده و مورد بحث قرار داده‌ام، تغییرات عمده‌ای صورت گرفته است، نظیر تغییر اصطلاح «هویت» به «هوهویت»، «وجود» به «وحدت»، «مسبب» به «سبب» و الی آخر. در مقاله حاضر، به‌عنوان مثال، بر مورد تصحیحی بسیار ظریف - اما پر اهمیتی - تمرکز خواهم کرد که در آن عبارت ویرایش شده «إیْت» و تصحیح پیشنهادی آن «أیْت» تقریباً یکسان هستند. این تصحیح پیشنهادی، تک‌عبارتی در اثر الهیات محسوب می‌شود و تا آنجا که اطلاع دارم، اصطلاحی است که تا به حال، در فرهنگ اصطلاحات فلسفی ابن‌سینا به آن توجه نشده است. علاوه بر این، این امر نمونه‌ای دیگر از اتکای ابن‌سینا به اصطلاحات و مفاهیم خاص کندی، در کنار وابستگی او به دیگر مفاهیم و اصطلاحات به اثبات رسیده در آثار علمی را به تصویر می‌کشد. به کارگیری اصطلاح «أیْت» در الهیات شفا، به نوبه خود، با توجه به استعمال کثیر آن در بخش دیگری از کتاب شفا، یعنی در بخش منطقی آن که اقتباسی است از رساله ایساغوجی فرفوروس، امکان تصحیح «إیْت» به «أیْت» را فراهم می‌آورد.<sup>۳</sup>

1. S. Dunya

2. Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 485-558; Id., "Some Texts of Aristotle's Metaphysics in the *Ilāhīyāt* of Avicenna's *Kitāb al-Šifā*" in *Before and After Avicenna. Proceedings of the First Conference of the Avicenna Study Group*, ed. D.C. Reisman, A.H. al-Rahim, Brill, Leiden 2003, pp. 25-45; id., "On the Manuscripts" cit.

۳- تصحیح مورد نظر در فهرست خطاهای اصلاح‌شده نسخه قاهره در «Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 485-558»

لحاظ نشده است، اما در ترجمه ایتالیایی من از الهیات ابن‌سینا مورد استفاده قرار گرفته است. رجوع شود به:

(Libro della Guarigione, *Le Cose Divine* di Avicenna (Ibn Sīnā), a cura di A. Bertolacci, UTET, Turin 2007; henceforth:

Bertolacci); see below, n. 30.

من توضیحات این مطلب را در سه بخش مورد بررسی قرار می‌دهم. در بخش اول، توضیح خواهم داد که چرا استعمال اصطلاح «أئیت» در کتاب الهیات محل مناقشه است. در بخش دوم، دلایل جایگزینی اصطلاح «أئیت» با «إئیت» را مطرح خواهم کرد. در بخش سوم، خواستگاه اصطلاح «أئیت» را به اختصار توضیح می‌دهم و شواهدی مبنی بر اینکه کندی - فیلسوف مشهور عرب - نخستین کسی است که این اصطلاح را در آثار فلسفی‌اش استعمال کرده، عنوان خواهم کرد و احتمالاً بتوان دامنه استعمال ابن سینا از این اصطلاح را تا منطق شفا بسط دهیم.

## I- استعمال غیر معمول اصطلاح «إئیت» در الهیات شفا (مقاله اولی) - [الفصل

### [الأول

بررسی دقیق نسخه‌های کتاب الهیات، و همچنین سنت تفسیری این اثر، نشان می‌دهد که یکی از نخستین اصطلاحات این اثر ابن سینا، همانند بسیاری دیگر از واژگان، به اشتباه در نسخه فعلی قاهره تکثیر یافته است. محور اصلی بحث در این اثر، اصطلاح کلیدی هستی‌شناختی «إئیت» است که در عنوان فصل اول آن ذکر شده است. مصححان قاهره‌ای متن الهیات و سایر بخش‌های کتاب شفا، همواره این اصطلاح را به صورت «إئیت» (با حمزه زیر الف) تلفظ کرده‌اند، در حالی که به احتمال زیاد صحیح‌ترین نوشتار آن «أئیت» (با حمزه بالای الف) است. اما، نگارش صحیح اصطلاح مورد بحث در اینجا مقصود ما نیست، و در ادامه با به کاربردن اصطلاح «أئیت»، با توجه به احتمال بالای همین تلفظ، از پرداختن به این مسئله اجتناب خواهم کرد.<sup>۱</sup>

1. In A Greek and Arabic Lexicon: Materials for a Dictionary of the Mediæval Translations from Greek into Arabic, ed. G. Endress, D. Gutas, Brill, Leiden (henceforth: GALex), vol. I, pp. 428-436,

این اصطلاح صرفاً به صورت «أئیت» انتشار یافته و این نگارش می‌تواند به عنوان نگارش صحیح در نظر گرفته شود. در باب تلفظ‌های مختلفی که برای این اصطلاح ذکر شده‌اند، رجوع کنید به:

R.M. Frank, "The Origin of the Arabic Philosophical Term anniyya", Cahiers de Byrsa, 6, 1956, pp. 181-201, pp. 183-184, 199. The warning of A.-M. Goichon: "Ne pas confondre [sc. anniyya] avec 'innīya, l'abstraite tiré de la conjonction si et qui indique la «conditionnalité» d'un jugement" (Lexique de la langue philosophique d'Ibn Sīnā, Desclée et de Brouwer, Paris 1938; rist.

در پژوهش‌های حائز اهمیت اخیر که اصطلاح «أئیت» مورد بررسی قرار گرفته است، یعنی در ترجمه‌های عربی قرون وسطایی از آثار فلسفی یونانی، جایگاه گسترده آن در اصطلاحات فلسفی ابن سینا و در کل اصطلاحات فلسفی عربی، و ماهیت چالش برانگیز این اصطلاح برای مترجمان از زبان عربی به دیگر زبان‌ها در تمامی ادوار، چه آنهایی که به لاتین و چه آنهایی که به زبان‌های عصر نوین (مدرن) اروپایی دست به نگارش می‌پردازند، در مجموع تأثیر و اهمیت خود را به نمایش گذاشته است.<sup>۱</sup> چالش‌های تفسیری اصطلاح «أئیت» عمدتاً به دلیل کثرت معانی آن است که در بسیاری از ترجمه‌های این اصطلاح به زبان اروپایی خود را نشان داده است و ذکر مختصری از برگردان لاتین این اصطلاح، نظیر

مؤسسه تاریخ علم عربی-اسلامی در «the J.W. Goethe University, Frankfurt am Main 1999, pp. 11-12» را می‌توان نادیده گرفت، چرا که اصطلاح «أئیت» (که به صورت شرطیت «conditionnalite» ترجمه شده است) که گویچون (Goichon) توصیه می‌کند در این مورد باید از «أئیت» متمایز تلقی شود، به نظر او از حرف ربط «اگر» در فرمول تصویری «برهان اگر» (fictitious formula burhān) (که گویچون آن را به عنوان «استدلال اگر» (argumentation si) (Lexique cit., p. 22) یا «استدلال شرطی» (argumentation conditionnelle) ترجمه کرده است) مشتق شده است.

(Ibn Sīnā [Avicenne], Livre des Directives et Remarques [Kitāb al-Ḥikmah wa l-tanbīhāt], traduction avec introduction et notes par A.-M. Goichon, Commission internationale pour la traduction des chefs-d'oeuvre, Beirut/Paris 1951; repr. 1999, p. 233, and n. 1).

باین حال، عبارت اصلی که ابن سینا در این زمینه‌های منطقی و معرفت‌شناسانه به کار می‌برد، در واقع برهان آن است (یعنی «اثبات آن» که به اثبات واقعیت اشاره دارد) که در آنجا حرف ربط به کار رفته حرف ربط آن است تا حرف ربط فرضی «اگر». اسم مشتق شده مرتبط با این فرض بنابراین باید «أئیت» خوانده شود. از این رو، اصطلاح «أئیت» نباید به صورت مجزا بررسی شود و باید با توجه به چارچوبی که در آن به کار می‌رود و در ارتباط با دیگر موضوعات و مفاهیم مرتبط در نظر گرفته شود. عبارت برهان آن معادل عربی  $\text{أئیت}$  است که در آنالوئیکای ثانی A, 13 مورد بحث قرار گرفته است. رجوع شود به:

(the rendering of  $\text{أئیت}$  as *anna* and *al-annu* in the Arabic translation of An. Post. A, 13 in GALEX, vol. I, pp. 418, 427, 436). The contention "Nous n'avons pas rencontré chez Ibn Sīnā, pour le mot  $\text{أئیت}$ , le sens de «(preuve) par le quia»,  $\text{أئیت}$ " (Ibn Sīnā, Livre des Directives et Remarques cit., p. 307, n. 3) is therefore pointless.

۱- برای اطلاع از وضعیت فعلی مطالعات و پیشینه پژوهش‌های صورت گرفته، با رجوع به تمامی منابع و مآخذ معتبر، رجوع شود به:

A. Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)", in Encyclope die philosophique universelle. Publié sous la direction d'A. Jacob, vol. II: Les notions philosophiques, Presses Universitaires de France, Paris 1990, pp. 101-102. See also C. D'Anconā, "Platonic and Neoplatonic Terminology for Being in Arabic Translation," *Studia graeco-arabica*, 1, 2011, pp. 23-45.

«quoddité»، «haeccité»، «être»، «entité»، «essence individuelle»، «existence» و الی آخر که تا حدی هم غامض می‌نمایند، صرفاً به منظور محدود کردن بحث و بررسی به استعمال این اصطلاح در آثار ابن سینا صورت گرفته است.<sup>۱</sup> با توجه به طیف گسترده‌ای از معانی مختلف این اصطلاح، می‌توان تمایل مترجمان قرون وسطی دورهٔ اوایل عصر نوین و معاصر برای ترجمهٔ ساده این اصطلاح<sup>۲</sup> را متوجه شد و لذا، موجب شد تا از خطر انتخاب صریح یکی از معانی ظریف آن اجتناب شود.<sup>۳</sup> این ابهام معنایی به دلیل کثرت زیاد معادل‌ها و مترادف‌های یونانی اصطلاح «أئیت» در ترجمه‌های زبان یونانی به عربی که تمامی طیف هستی‌شناسی آن را شامل می‌شود، دارای تاریخچه‌ای طولانی و عمیق از ترجمه‌ها و تفاسیر مختلف است.<sup>۴</sup> به صورت اجمالی و در چارچوب واژگان و مفاهیم مربوط به حوزه

1. See Goichon, *Lexique cit.*, pp. 9-12, and the survey of previous scholarship in M.-Th. d'Alverny, "Anniyya-Anitas", in *Mélanges offerts à E. Gilson*, ed. Pontifical Institute of Medieval Studies of Toronto, Vrin, Paris 1959, pp. 59-91 (on pp. 59-67). See also J. Michot, "La réponse d'Avicenne a Bahmanyar et al-Kirmanî. Présentation, traduction critique et lexique arabe-français de la *Mubāḥḥatha III*", *Le Muséon* 110, 1997, pp. 143-221, p. 171 ("quoddité"), and Avicenna, *The Metaphysics of The Healing. A parallel EnglishArabic text translated, introduced, and annotated by M.E. Marmura*, Brigham Young University Press, Provo (Utah) 2005 (henceforth: Marmura), p. 383, endnote 1

(در برخی سیاق، بهتر است که «أئیت»/«أئیت» را به «وجود» ترجمه کنیم)

2. anitas in the Medieval Latin translation of the *Ilāhiyyāt* (see Appendix below); alanie in the Latin translation by Andrea Alpago of the *Risāla Ad ḥawiyya fī l-ma'ād*, *Epistle of the Feast of Sacrimnce concerning the Return*; anniyya in recent studies.

۳- D'Alverny چهار مرتبه دست به ترجمهٔ اصطلاح «أئیت» در رسالهٔ اضحویة زده است (cit., pp. 86-88).

یکی از این استعمالات توسط لوجتا (Lucchetta) نیز در ترجمهٔ ایتالیایی این اثر برگردان شده است:

(Avicenna, *Epistola sulla vita futura. I. Testo arabo, traduzione, introduzione e note a cura di F. Lucchetta*, Antenore, Padova 1969, p. 145, 9).

برای مشاهدهٔ یکی استعمالات اصطلاح «أئیت» در مدخل شفا ابن سینا رجوع شود به:

M. Alonso Alonso, "La "al-anniyya" de Avicena y el problema de la esencia y existencia (fuentes literarias)", *Pensamiento*, 14, 1958, pp. 311-345 (p. 397).

۴- اصطلاح «أئیت» در ترجمه‌های عربی از آثار فلسفی یونانی، برگردانی است از مجموعه‌ای از اصطلاحات هستی‌شناختی یونانی، نظیر هویت (τὸ εἶναι) و ماهیت (τὸ τί ἦν εἶναι) و همچنین (τὸ τί ἐστίν) و همچنین

τὸ εἶναι با معنای وجودی ὁ πάριχῶ (وجود یافتن) و ὁ πόστασις (وجود). رجوع شود:

(*GAlex*, vol. I, pp. 428-436). The occurrences of anniyya in Plotino, *La discesa dell'anima nei corpi* (Enn. IV 8 [6]). *Plotiniana Arabica* (Pseudo-Teologia di Aristotele, Capitoli 1 e 7; "Detti del sapiente greco"), a cura di C. D'Ancona, Il Poligrafo, Padova 2003, pp. 472-473, are prevalently translated as "essere".

هستی‌شناسی، «أئیت» نه تنها به مفهوم کلی «هوئیت» اشاره دارد، بلکه به نحو اخص، اشاره به دو قطب متضاد حوزه هستی‌شناسی دارد که از یک سو نمایانگر «ماهیت» و از سوی دیگر نمایانگر «وجود» است. در این مقاله قصد ندارم فی‌نفسه «أئیت» را مورد کندوکاو قرار داده یا بار دیگر غرق در معضلات مربوط به خاستگاه، ماهیت و کاربرد آن شوم؛ بلکه قصد من نشان دادن این مطلب است که انتشار جغرافیایی و فکری و همچنین تنوع معانی این اصطلاح، به احتمال زیاد سبب بروز تغییرات و تحریفاتی در مجموعه نسخ خطی الهیات ابن‌سینا شده است. نتیجتاً، در نسخه‌های چاپی حال حاضر، اصطلاح شناخته‌شده‌تر «أئیت» جایگزین اصطلاح کمتر شناخته‌شده و نادر «أئیت» شد که گرچه همانند «أئیت» اسم معنی است و تقریباً رسم‌الخط مشابهی دارند، اما معنای متفاوتی دارد و به کاربرد آن موضوعات و مباحث مطرح شده توسط ابن‌سینا در کتاب الهیات شفا دقیق‌تر و منطبق‌تر است.<sup>۱</sup>

عنوان الفصل الأول (۱) الهیات شفا عبارت است از (اصطلاح «أئیت» تعمداً ترجمه نشده است):

متن نخست: «فصل فی ابتداء طلب موضوع الفلسفة الأولى لتبیین اینته فی العلوم»<sup>۲</sup>

ابن‌سینا در این عنوان اظهار می‌دارد که هدف از بررسی موضوع فلسفه اولی (مابعدالطبیعه) روشن ساختن «أئیت» آن است، به معنای دقیق‌تر، «أئیت» موضوع فلسفه اولی است (همان‌گونه که اضافه‌شدن پسوند ضمیر مذکر به جای مؤنث به «أئیت»، بر آن گواهی می‌دهد) و همچنین از طریق «أئیت» این علم، تمامی حیطه‌ها و زمینه‌های مرتبط با آن مورد

۱- اصطلاح «أئیت» در این مورد توجه قرار نگرفته است:

Goichon, Lexique, and A.-M. Goichon, *Voculaires compare s d'Aristote et d'Ibn Sīnā*, Desclé e de Brouwer, Paris, 1939; rist.

2. Faṣṣal fī l-ibtidā' al-ṭalab al-awwalī li-tabaqqat al-falsafat al-awwalī li-tatabayyan inniyyatuhū fī l-ḥikmah. Arabic text as in Al-Šifā', al-Ilāhiyyāt (1), ed. Ḡ. Š. Qanawātī, S. Zāyid, al-Hay'at al-ʿāmma li-šūʿn al-maṭ'ābiq al-amīriyya, Cairo 1960; Al-Šifā', al-Ilāhiyyāt (2), ed. M. Y. Mūsā, S. Dunyā, S. Zāyid, al-Hay'at al-ʿāmma li-šūʿn al-maṭ'ābiq al-amīriyya, Cairo 1960.

تعداد صفحات و سطرهای ترجمه لاتینی در بین گروه‌ها [] آمده است.

(Avicenna Latinus, *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, I-IV. Édition critique par S. Van Riet. Introduction par G. Verbeke, Peeters-Brill, Louvain-Leiden 1977; *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, V-X. Édition critique par S. Van Riet. Introduction par G. Verbeke, Peeters-Brill, Louvain-Leiden 1980).

تأمل و شناخت قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup> این ساختار مفهومی که در نوشته‌های ابن سینا هم غیرمعمول نیست، در اینجا مستقیماً مورد توجه ما نیست. به احتمال قریب به یقین، ابن سینا به تمایز موضوع مابعدالطبیعه با موضوعات سایر علوم و بالتبع به تمایز خود مابعدالطبیعه با سایر شاخه‌ها و حوزه‌های علمی اشاره دارد. برای این اساس، مترجمان عصر نوین، اصطلاح مورد بحث را به صورت‌های گوناگونی همچون «ماهیت»، «طبیعت»، «قوام» یا «ماهیت جزئی» برگردانده‌اند.<sup>۲</sup> اما ترجمه‌هایی از این دست، اگر چه با قصد کلی ابن سینا در عنوان [الفصل الأول (۱)] الهیات شفا سازگار هستند، اما زمانی مسئله آفرین می‌شوند که آن‌ها را در بافت کلی الهیات شفا مورد توجه قرار دهیم. پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص فرهنگ اصطلاحات فلسفی ابن سینا نشان داده‌اند که «أئیة» معمولاً به معنای «ماهیت» و مفاهیم مرتبط با مباحث روان‌شناسی است. اما در مابعدالطبیعه ابن سینا، «أئیة» معنی متفاوتی دارد و به معنی «وجود» است که در مقابل «ماهیت» قرار دارد.<sup>۳</sup> استعمال «أئیة» در الهیات شفا عمدتاً محدود به دو مقاله خاص شده است، یکی در مقدمه مقاله الأولى، [الفصل الأول - الفصل الثانی] این اثر که از این اصطلاح برای ترسیم چهارچوب معرفت‌شناختی علم

۱- ارجاع دقیق پسوند ضمیری همچنان در بیشتر ترجمه‌های عصر نوین مبهم باقی مانده است، به استثنای ترجمه آلمانی M. Horten

(Die Metaphysik Avicennas enthaltend die Metaphysik, Theologie, Kosmologie und Ethik, übersetzt und erläutert von M. Horten, Leipzig 1907; repr. Minerva, Frankfurt am Main 1960; henceforth: Horten), in which it is referred ad sensum to first philosophy, rather than to the subject matter of first philosophy (see below, n. 12). Cf. the similar construction of the Latin translation (below, n. 23).

2. Horten, p. 1: "Ein erstmaliges Suchen nach dem Objekte der prima philosophia, damit ihre eigentümliche Natur innerhalb der Wissenschaften klar werde" (cf. ibid., fn. 5: "Wörtlich: 'ihre Individualität'"); Avicenne, La Métaphysique du Shifā. Livres I a V. Traduction, introduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1978; Avicenne, La Métaphysique du Shifā. Livres de VI a X. Traduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1985 (henceforth: Anawati), vol. I, p. 85: "Où l'on commence a chercher le sujet (mawḍū) de la philosophie première pour que soit manifestée son essence (anniya) [par rapport] aux sciences"; Avicenna (Ibn Sīnā), *Metaphysics. La Scienza delle cose divine (al-Ilāhiyyāt) dal Libro della Guarigione (Kitāb al-Šifā)*, a cura di O. Lizzini e P. Porro, Bompiani, Milano 2002, 20062 (henceforth: Lizzini), p. 17: "In cui si cominciò a ricercare il soggetto della filosofia prima per rendere evidente il suo costituirsi come scienza"; Marmura, p. 1: "On beginning to seek the subject of first philosophy so that its individual quiddity among the sciences becomes evident". Cf. Alonso Alonso, "La 'al-anniyya' de Avicenna" cit., p. 389: "Se comienza a tratar del sujeto de la filosofía primera para manifestar su 'al-anniyya' en relación con otras ciencias".

3. See Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., pp. 101-102.



مابعدالطبیعه استفاده شده است و دیگری در مقاله الثامنه، [الفصل الرابع – الفصل السادس] در فصل الهیاتی این متن که در آن ابن سینا به توصیف ذات خداوند می پردازد.<sup>۱</sup> معنی وجودی واضحی از «أئیة» در متن این دو مقاله به چشم می خورد. برای مثال، دو متن زیر را از نظر می گذرانیم:

متن دوم: مقاله الأولى، الفصل الثانی، ص. ۱۳، ۱۱-۱۲ [ص ۱۳، ۳۴-۳۶]: ... إثبات الموضوع و تحقیق ماهیته فی العلم الذی هو موضوعه بل تسلیم اینته و ماهیته فقط.<sup>۲</sup>

متن سوم: الهیات مقاله الثامنه، الفصل الرابع، ص. ۳۴۴، ۱۰-۱۱ [صص ۳۹۸، ۸۳-۳۹۹، ۸۴]: إن الأول لا ماهیه له غیر اةنیه، وقد عرفت معنی الماهیه، وبما ذا تفارق اةنیه فیما تفارقه فی افتتاح تیاننا.<sup>۳</sup>

---

۱- فهرست این استعمالات را می توان از واژه نامه های تصحیح انتقادی ترجمه لاتین برداشت کرد:

(Avicenna Latinus, Liber de Philosophia prima sive Scientia divina, I-X. Lexiques par S. Van Riet, Peeters-Brill, Louvain-la-Neuve-Leiden 1983), with the addition of the two occurrences omitted in the Latin translation: VIII, 4, p. 344, 11; VIII, 4, p. 346, 13 (see below, Appendix).

۲- ... إثبات الموضوع و تحقیق ماهیته فی العلم الذی هو موضوعه بل تسلیم اینته و ماهیته فقط.

Lat. transl.: "inconveniens est ut stabiliat suum subiectum an sit et certificet quid sit scientia cuius ipsum est subiectum, sed potius debet concedere tantum quia est et quid est" (emphasis mine). Anawati, p. 93: "Il est en effet impossible d'établir un sujet et de vérifier sa quiddité dans la science dont il est le sujet, mais il faut seulement admettre son existence (anniyya) et sa quiddité" (emphasis mine). Lizzini, p. 37: "È, infatti, impossibile stabilire [l'esistenza] del soggetto ed individuare che cosa esso sia nella stessa scienza di cui esso è il soggetto; in essa si dovrà, invece, soltanto ammettere che esso esista (anniyya) e che cosa esso sia (māhiyya)"; cf. n. 57, p. 1059: "O anche: «si dovranno ammetterne l'esistenza e la quiddità» (emphasis mine). Marmura, pp. 9-10: "[this] because of the impossibility of establishing the subject matter of a science and ascertaining its quiddity in the very science that has that subject, [it thus needs] only the admission of its existence and quiddity" (emphasis mine). Bertolacci, p. 156: "È impossibile, infatti, stabilire un soggetto [come esistente] e verificare la sua quiddità nella medesima scienza di cui esso è il soggetto; il fatto che il soggetto esiste e la sua quiddità, al contrario, vengono solamente ammessi [nella scienza di cui esso è il soggetto] (emphasis mine). Cf. Goichon, Lexique, pp. 9-10: "Ainsi va-t-il [i.e. Avicenna] jusqu'à parler de la 'anniyya de l'être, a propos de l'objet de la métaphysique; son objet est tant l'être en tant qu'être", cette science devra «de gager seulement sa □anniyya et sa māhiyya», qu'il y a de l'être comme tel et quel est sa quiddité" (emphasis mine). The only exception is represented by Horten, p. 20: "Est is nämlich unmöglich, daß die Feststellung der Existenz des Objektes und die Definition seines Wesens der Wissenschaft zufalle, deren (formelles) Objekt dieses selbst ist. Sie kann dasselbe höchstens als in seiner Individualität und seinem Wesen evident annehmen" (emphasis mine).

۳- إن الأول لا ماهیه له غیر اةنیه، وقد عرفت معنی الماهیه، وبما ذا تفارق اةنیه فیما تفارقه فی افتتاح تیاننا.

Lizzini, p. 783: "... il Primo non ha una quiddità che sia diversa dal suo proprio essere; sei già venuto a conoscenza, all'inizio di questa nostra esposizione, di quel che significa "quiddità" e del perché essa si differenzi dall'essere, laddove se ne

در هر دو مورد، همان‌طور که اکثر ترجمه‌های عصر نوین بر آن مهر تأیید می‌زنند، معقول‌ترین برگردان از «أئیة»، «وجود» است. این دو متن، متون شناخته شده‌ای در میان محققان بوده و نیازی به افزودن تفسیر و تحلیل فنی بیشتری، فراتر از تحلیل‌های ارائه شده در پژوهش‌های پیشین، نمی‌باشد.<sup>۱</sup> معنی وجودی «أئیة» در متن دوم، به واسطه تضاد آن با «ماهیت» و همسویی‌اش با «اثبات»، به معنی «اثبات وجود»، کاملاً مشهود است.<sup>۲</sup> دلالت ضمنی معنی وجودی «أئیة» در متن سوم حتی واضح‌تر است، چرا که نه تنها از طریق

differenzia"; cf. p. 1302: "Avicenna lo utilizza [sc. anniyya] . . . insieme a māhiyya "quiddita", cui si oppone, per dare voce alla distinzione di essenza (māhiyya) ed esistenza negli enti creati e alla loro indistinzione in Dio (cfr. Ilāh., VIII, 4, p. 346)" (emphasis mine). Marmura, p. 274: "The First has no quiddity other than His individual existence. You have known the meaning of quiddity and the things by which it differs from individual existence at the beginning of this our exposition" (emphasis mine). Bertolacci, p. 644: ". . . il [Principio] Primo non ha nessuna quiddita che sia diversa dal fatto di esistere. Hai già appreso la nozione di quiddita, e grazie a che cosa essa si distingue dal fatto di esistere, nelle cose in cui ciò accade, all'inizio di questa nostra chiarificazione". Cf. Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., p. 101b: "Le «Premier n'a pas une quiddité autre que son existence (a/inniyya)»" (emphasis mine). The Latin translation (" . . . primum non habet quidditatem nisi anitatem quae sit discreta ab ipsa"; the following sentence is omitted in Latin) and Anawati (vol. II, p. 86: "Le Premier n'a pas de quiddité autre que al-anniyya et tu [as] appris ce que signifie la quiddité et par quoi elle se distingue de la anniyya sur les points où elle en diffère, au de but de notre pré sent expose") simply transliterate the term. Cf. Horten, p. 499: ". . . der erste Seiende keine Wesenheit im eigentlichen Sinne des Wortes habe, die verschieden sei von seiner Individualität. Den Begriff der Wesenheit hast du bereits kennen gelernt und ebenso das, wodurch er sich von der Individualität unterscheidet am Anfange unserer Darlegungen dieses Buches" (emphasis mine).

۱- برای مشاهده شرح متن دوم و متن سوم رجوع شود به:

Bertolacci, The Reception cit., pp. 123, 283, and Id., "The Distinction of Essence and Existence in Avicenna's Metaphysics: The Text and Its Context", in *Islamic Philosophy, Science, Culture, and Religion: Studies in Honor of Dimitri Gutas*, ed. F. Opwis, D.C. Reisman, Brill, Leiden, 2012, pp. 257-288.

۲- یکی از دوم‌رتبه‌ای که اصطلاح «أئیة» در کثیری از مقاله‌های اولی، [الفصل الأول] (ص. ۵، ۱۷ ص. ۵۹، ۴۰) استعمال شده، می‌تواند معنایی مبهم‌تری داشته باشد: ابن‌سینا از «أئیة الله» سخن به میان آورده است، عبارتی که می‌تواند با «ذات‌العله‌الأولی» مقایسه شود که چند خط قبل آمده است (ص. ۵، ۵ [ص. ۴۱-۴۲]). بر همین اساس، تفاسیر مبهمی برای «أئیة» در این بیان مطرح شده است.

(Lat. transl.: "ipse [sc. Deus]"; Anawati, p. 87: "être"; Lizzini, p. 21: "essere"; cf. Horten, p. 7: "eigentü mliches Wesen").

تناظر تعیین‌کننده بین دو این مرتبه با اصطلاح «وجود الهی» (ص. ۶، ۱ [ص. ۴، ۶۴]) به دست می‌آید که امکان برگردان را، در این مورد، به مفهوم «وجود» می‌دهد. (Marmura, p. 3: "existence"; Bertolacci, p. 143: "il fatto che esiste")  
دومین مرتبه‌ای که اصطلاح «أئیة» در مقاله‌های اولی، [الفصل الأول] (ص. ۷، ۴ [ص. ۵، ۹۴]) به کاررفته، در عبارت مشابه «أئیة المبدأ الأول» است و در ترجمه لاتینی دوران میانه و اکثر ترجمه‌های عصر نوین، با اصطلاحاتی که نشان‌دهنده وجود هستند، برگردانده شده است. (Horten, p. 9: "individuelles Wesen")

ضدیتش با «ماهیت»، بلکه با ارجاع به تمایز معروف بین «ماهیت، حقیقت» و «وجود» در الهیات شفا، مقاله الأولى [الفصل الخامس] ("وقد عرفت ...")، نیز مورد تأیید قرار می‌گیرد. گواه این معنی وجودی «أنیّت» را همچنین می‌توان در اثبات سنخیتی که ابن سینا بین «أنیّت» و «وجود»، دست کم در دو مورد مشترک از این دو اصطلاح در عبارات مقاله الثامن [الفصل الرابع] که ارتباط وثیق و تنگاتنگی با متن سوم دارد، مشاهده نمود.<sup>۱</sup> ضمناً، اگر در متن دوم، «أنیّت» موضوع علم، به احتمال قریب به یقین، به معنای وجود آن باشد، به سختی می‌توان متصور شد که «أنیّت» موضوع مابعدالطبیعه که در عنوان همان فصل (متن نخست) ذکر شده، به معنای «وجود» نباشد. آنچه از الهیات شفا به دست می‌آید، اساساً توسط منطق او مهر تأیید زده می‌شود، علی‌الخصوص توسط بخشی از کتاب شفا که متناظر است با آنالوطیفای ثانی (مبحث برهان) که «أنیّت» یا به معنای «آن‌بودگی» است که با «لمیّت» در تضاد است،<sup>۲</sup> یا به معنای «وجود» است که با «ماهیت» در تضاد است که در این صورت «أنیّت» بر اساس سیاق به کاررفته مابعدالطبیعه هم معنی با «وجود» است.<sup>۳</sup> با مدنظر قراردادن میزان استعمال این اصطلاح، به نظر می‌رسد که این کاربرد منطقی - مابعدالطبیعی که با تأکیدهای وجودی همراه است بیشتر از کاربرد روان‌شناختی آن است.<sup>۴</sup>

1. See VIII, 4, p. 346, 13 [om.]; VIII, 4, p. 347, 1 [p. 401, 34].

2. Limayya is the spelling proposed by Goichon, *Lexique cit.*, p. 374 (#655), and *Vocabulaires cit.*, p. 32 (cf. *Liber de Philosophia prima sive Scientia divina*, I-X. *Lexiques cit.*, p. 122, #786). Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" *cit.*, transliterates this term as *limmiyya*.

۳- برای مشاهده موارد اشاره شده توسط Hasnawi رجوع شود به:

"Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" *cit.*, the occurrence of *anniyya* in *Burhān IV, 5 (Al-Burhān min Kitāb al-Šifā* □, ed. □ A. Badawī, *Maktaba al-nahḍ a al-miṣriyya*, Cairo 1954, 1966, p. 228, 7; *Al-Šifā* □, *al-Manṭiq*, al-Burhān, ed. A. □ Affif, *Al-Maṭbaʿa al-amīriyya*, Cairo 1956, p. 301, 2), can be added.

این سه استعمال از «أنیّت» در 5, 1, 35, 1, ed. Badawī, *Avicenna's Taʿlīqāt*, ed. Badawī, p. 35, 1, 5. به نظر دارای معنای وجودی باشند (در هر سه مورد، این اصطلاح همزه در حرف اول چاپ شده است).

۴- با مدنظر قراردادن «کتاب شفا»، در مقایسه با پنج مورد شناخته‌شده‌تر اصطلاح «أنیّت» در «البرهان» و چهارده مورد در «الهیات شفا»، تنها یک مورد از این اصطلاح در بخش روان‌شناسی استعمال شده است.

(*Avicenna's De Anima (Arabic Text)*, being the psychological part of the *Kitāb al-Shifā* □, ed. F. Rahman, Oxford University Press, London-New York-Toronto 1959; repr. 1970, V, 7, p. 255, 9 [162, 55]), has been ascertained.

به دیگر بیان، اصطلاح «أئیت» در الهیات شفا، برخلاف اینکه به معنای «ماهیت» و مفاهیم مشابه باشد، دقیقاً به مفهومی اشاره دارد که نقطهٔ مقابل «ماهیت» و اصطلاحات مرتبط با آن در حیطهٔ هستی‌شناسی است که - همانند نظام فلسفی ابن سینا - بر مبنای تمایز بین «ماهیت» و «وجود» استوار است. در این راستا، هر چند مترجم لاتینی متن نخست، اصطلاح «أئیت» را با وفاداری کامل به esse («هویت») برگردانده است، با این حال، او esse («هویت») را به «فلسفهٔ اولی» نسبت می‌دهد، نه به «موضوع فلسفهٔ اولی» و اینکه او در ترجمهٔ لاتینی آن ("esse de numero scientiarum") تلقی اسنادی از آن دارد.<sup>۱</sup> لذا، بر اساس این ترجمهٔ لاتینی، ابن سینا به دلیل انطباق آن با بنیادی‌ترین الزام معرفت‌شناختی هر علمی از سوی مابعدالطبیعه - یعنی برخورداری از موضوع - به شمول مابعدالطبیعه در میان سایر علوم اشاره می‌کند. اما، نه ماهیت علمی مابعدالطبیعه و نه حتی وجود خود این شاخهٔ علمی - یا موضوع آن - نمی‌تواند آن چیزی باشد که ابن سینا در اینجا مدنظر دارد. جایگاه مابعدالطبیعه در میان نظام علوم از یک سو و همچنین وجود خود این علم و موضوع آن («وجود به ماهو موجود») از سوی دیگر، مباحثی نیستند که نخستین بار توسط ابن سینا مطرح و سپس توسط او تبیین شده باشند، بلکه آن‌ها در طبقه‌بندی علوم و بحث پیرامون مفاهیم اولیه‌ای که ابن سینا در فصول ابتدایی الهیات شفا (المقالة الأولى، [الفصل الأول]، المقالة الأولى [الفصل الخامس]) مطرح می‌کند، حقایقی بدیهی هستند که مسلم فرض شده‌اند؛ لذا، اصطلاح «أئیت» در این متن اگر به معنی «ماهیت» باشد، در این صورت تا حدودی در فرهنگ اصطلاحات فلسفی ابن سینا در الهیات شفا غیر معمول می‌نماید،<sup>۲</sup> و یا اگر اصطلاحاتی که ابن سینا در این اثر استعمال می‌کند همواره معنایی یکسان داشته باشند، در این صورت، اصطلاح «أئیت» در عبارت المقالة الأولى، [الفصل الأول]، (که در این

1. "Capitulum de inquisitione subiecti primae philosophiae ad hoc ut ostendatur ipsa esse de numero scientiarum".

۲- مایکل ای. مارمورا (M.E. Marmura) از این غیر معمول بودن آگاه بوده و اظهار می‌کند که: "این اصطلاح در نوشته‌های ابن سینا اغلب به وجود جزئی نیز اشاره دارد... و در برخی بافت‌ها، بهتر است «أئیت» / «أئیت» را به عنوان

مورد «وجود» را می‌رساند)، کاملاً بی‌معنا خواهد بود. اما هیچ یک از این دو رویکرد اعتبار چندانی ندارند.

## II- «أُتِيت» در جای «أُتِيت»

شیوه تصحیح متون در تصحیح قاهره، هیچ گونه نسخه‌بدلی را برای خوانش اصطلاح «أُتِيت» در متن نخست نشان نمی‌دهد، گویی تمامی منابع و شواهدی که برای تهیه این تصحیح مورد استفاده قرار گرفته، این اصطلاح را واضح و بدون ابهام ذکر کرده‌اند. با این حال، با بررسی دقیق‌تر مجموعه این نسخ و شواهد و مدارک مرتبط با آن، دیدگاه‌های جدیدی پیش روی ما گشوده می‌شود. گرچه این خوانش از «أُتِيت» توسط چندین منبع و روایت مختلف از جمله نسخ مورد استفاده در چاپ قاهره (همانند چاپ سنگی تهران) و نیز دیگر نسخ مورد تأیید قرار می‌گیرد،<sup>۱</sup> اما این مجموعه منابع مورد استفاده در چاپ قاهره، خوانش جایگزین دیگری را برای «أُتِيت» ارائه داده‌اند که من این خوانش جایگزین را صحیح‌تر می‌دانم. یکی از نسخ مورد استفاده توسط مصححان قاهره (قاهره، دارالکتب ۸۲۶)، در تصحیح حاشیه‌ای خود، «أُتِيت» را جایگزینی برای «أُتِيت» ذکر می‌کند. شوربخانه، این حاشیه ارزشمند در سازوکار تصحیح متون توسط مصححان مورد استفاده قرار نگرفته است. در سایر نسخ نیز نوع مشابهی از تصحیحات حاشیه‌ای یا بین خطی صورت گرفته است، لذا این امر خود شاهی بر این است که این خوانش موازی از «أُتِيت» پیش‌تر در محافل

1. Among the manuscripts used in the Cairo edition, the reading anniyya is attested, for example, in ms. B (al-Azhar, Be) ʾIt 331 falsafa [ḥ] uṣ̣ iyya, 44988 [umūmiyya]; in this ms. the reading anniyya is confirmed by a collation mark; ms. M (British Museum [now: British Library, Oriental and India Office Collections], or. 7500); and Dār al-Kutub al-Miṣ̣ riyya, ḥ̣ ikma wa-falsafa 262 (possibly used in the Cairo edition with the siglum H: see Bertolacci, *The Reception* cit., p. 483, n. 4). On the other hand, ms. D (Dār al-Kutub al-Miṣ̣ riyya, falsafa 894) is acephalous, whereas the incipit of the *Ilāhiyyāt* in ms. Ğ (Dār al-Kutub al-Miṣ̣ riyya, ḥ̣ ikma 144) is hardly legible in the reproduction I have consulted. On ms. Ṣ̣, see below. Other codices attesting anniyya are, for example, Dār al-Kutub al-Miṣ̣ riyya, ḥ̣ ikma wa-falsafa 349; Dār al-Kutub al-Miṣ̣ riyya, ʾI al 363; Dār al-Kutub al-Miṣ̣ riyya, Aḥ̣ mad Taymūr Pāṣ̣ā 140; Istanbul, Ayasofya 2389; Khoy, Madrasa Nimāzī 247; Oxford, Bodleian Library, Pococke 117; Tehran, Dānishgāh, Mishkāt 243. Anniyya also appears, with no indication of variants, in the printed version of *Āmulī*, and is attested by one of the five unspecified codices whose incipits are photographically reproduced at the end of his edition (first specimen); on the other four manuscripts used by *Āmulī*, see below, n. 26.

مورد بحث و بررسی قرار می‌گرفته است.<sup>۱</sup> برای مثال، چاپ‌های تهران،<sup>۲</sup> دانشگاه ۴۲۱۴،<sup>۳</sup> مشکات ۲۴۲،<sup>۴</sup> تنها خوانش موجود را «أئیت» ذکر کرده‌اند.<sup>۵</sup> خوانش «أئیت» در برخی نسخ، خواه به صورت تصحیحی که بعداً اعمال شده باشد یا به عنوان بخشی از متن اصلی، بدون شک خوانشی غیرمعمول‌تر به نظر می‌رسد، اما صحت این خوانش از شواهد کافی برخوردار است. از آنجا که بسیار بعید به نظر می‌رسد که محرر و کاتبی بشخصه و بدون توجه به منابع دیگر دست به تصحیح «أئیت» به «أئیت» زده باشد، از این رو، خوانش «أئیت» در نسخ مذکور به احتمال زیاد با اتکا و رجوع به نسخ معتبر و موثقی صورت گرفته است، لذا، این خوانش توسط شواهد معتبر و قابل‌اعتمادی از نسخ قدیمی‌تر تأیید می‌شود. خوانش متفاوت «أئیت» و «أئیت»، صرفاً به علائم سجاوندی حرف دوم آن‌ها مربوط می‌شود؛ بنابراین، این اصطلاح یک نمونه بسیار آشکار برای نوعی از تحریف در نسخ است که در اصطلاح فنی به آن «خطای تصحیف» گفته می‌شود که متمایز از خطای اساسی‌تر تحریف است که در متن اصلی نویسنده تحریف صورت می‌گیرد، نه به این دلیل که رسم الخط یک یا چند حرف از یک کلمه مشخص، تغییر کرده است، بلکه به این دلیل است که برخی از حروف با حروف دیگر جایگزین شده‌اند.<sup>۶</sup> به عبارت دیگر، محرر و کاتبی به راحتی می‌توانست دست به تحریف اصطلاح کمتر متداول «أئیت» به اصطلاح رایج‌تر «أئیت» زده که نمونه‌ای است از چرخش متن به خوانش معمول‌تر و سهل‌تر آن یا اینکه محرر و کاتبی به اشتباه اصطلاح «أئیت» را که در متن الگو بدون علائم سجاوندی به نگارش درآمده را جایگزین «أئیت» کرده باشد. مضافاً اینکه خوانش «أئیت»، همان‌گونه

1. See, for example, ms. Lucknow, Nadwat al- $\square$ Ulamā $\square$ , ḥikma wa-falsafa 59, and four of the five manuscripts used in Āmulī's printed version (see above, n. 25).

2. Tehran

3. Dānīshgāh 4214

4. Mishkāṭ 242

۵- از سوی دیگر، چندین نسخه خطی این اصطلاح را به صورت ناقص یا کاملاً بدون نقطه گذاری آورده‌اند، به گونه‌ای رسم الخط آن را می‌توان هم به صورت «أئیت» و هم «أئیت» خواند. برای مثال، رجوع شود به:

(ms. Leiden, Universiteitsbibliotheek Or. 4; ms. Oxford, Bodleian Library, Pococke 125).

6. See A. Gacek, *The Arabic Manuscript Tradition. A Glossary of Technical Terms and Bibliography*, Brill, Leiden 2001, pp. 31-32, 83.

که مجموعه‌ای از حواشی معاصران بر آن دلالت دارد، توسط مجموعه‌ای از منابع و شواهد دست‌دوم الهیات شفا مورد تأیید قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

«أئیت»، اسم معنی است که از ضمیر استفهامی أیُّ (کدام، چه، چه نوعی؟) اشتقاق یافته است؛ لذا، به معنای «کیفیت» یا «کیفیت مُشَخَّصه/مميزه» بوده و بر اساس این معنا، کاملاً با سیاق متن مدنظر ما مطابقت دارد. با جایگزینی «أئیت» در جای «أئیت»، متن نخست را می‌توان به شکل زیر برگرداند:

متن چهارم: «الفصل الأول (۱): فصل فی ابتداء طلب موضوع الفلسفة الأولى لتبیین أئیته فی العلوم».<sup>۲</sup>

با توجه به تمام این دلایل و بدون در نظر گرفتن توضیحات بیشتر، اصطلاح «أئیت» تصحیح بسیار محتمل تری برای «أئیت» در این متن به نظر می‌آید. از سوی دیگر، اصطلاح «أئیتیّت» را که در نسخه‌بدهای موجود در متن نخست (رجوع شود به: Ms. Khoy, Madrasa Nimāzī 248) حضور دارد را مشتقی از «أئیت» و/یا «أئیتیّت» (محتملاً تلفیقی از هر دو) می‌دانم.<sup>۳</sup> لذا، با طیب خاطر می‌توان در متن نخست «أئیت» را در جای «أئیت» قرار داد.<sup>۴</sup>

### III- خاستگاه اصطلاح «أئیت» و احتمال استعمال آن در بازنویسی رساله ایساغوجی توسط ابن سینا

فارغ از دلایل یادشده، جایگزینی «أئیت» در جای «أئیت» در متن نخست، به دلیل مهم دیگری نیز قابل تأمل است. این اصطلاح علی‌رغم استعمال نسبتاً نادر در زبان فلسفی عربی،

1. See Muḥammad Maḥdī ibn Abī Ḍarr al-Narāqī (d. 1794 or 1795), *Šarḥ al-Ilāhiyyāt min Kitāb al-Šifā*, ed. M. Moḥaghegh, Tehran 1986, p. 3 (quoted by Marmura, p. 383) and the other commentators mentioned in Ibn Sīnā, *Al-Šifā* (al-Ilāhiyyāt), with Marginal Glosses by Mullā Ṣadrā and Others, ed. H. Najī Isfahani, Society for the Appreciation of Cultural Works and Dignitaries, Institute of Islamic Studies of Tehran, McGill University, Tehran 1383H.Š./2004, p. 3, n. 2.

2. See Bertolacci, p. 138: "Capitolo riguardante l'inizio della ricerca del soggetto della filosofia prima, affinché risulti chiara la sua qualità distintiva tra [i soggetti de] le scienze".

3. Ms. Khoy, Madrasa Nimāzī 248, is reported as attesting ayyiyya, instead of ayniyya, in Najī Isfahani's edition of *Ilāhiyyāt I-II* (p. 6; see above, n. 29). I have not been able to inspect the other Iranian codices allegedly supporting ayyiyya in this edition.

4. The overall number of occurrences of anniya in the *Ilāhiyyāt* remains, however, the same (14 cases), since in VIII, 6, p. 358, 1 [p. 416, 39], ائینائی (two-ness" or "duality") in the Cairo edition should be corrected in anniya as an instance of lectio dikmncilior (see Bertolacci, *The Reception* cit., p. 538, and Appendix, below).

دارای خاستگاه‌های بسیار معتبر و عمیقی در فلسفهٔ عربی است. به‌عنوان مثال، کندی، بنیان‌گذار فلسفهٔ اسلامی، در مهم‌ترین اثر مابعدالطبیعی خود که به بحث از «فصل» می‌پردازد، این اصطلاح را استعمال کرده است. ما باز یابی و تصحیح اصطلاح «أئیت» در آثار کندی را مدیون نسخهٔ محمد عبد الهادی ابوریده ۱۹۵۰<sup>۱</sup> هستیم، چرا که در نسخهٔ قبلی توسط احمد فواد اهوانی (۱۹۴۸)،<sup>۲</sup> این اصطلاح به صورت «أئیت» آمده بود که تحریفی مشابه متن نخست ابن سینا در نسخهٔ قاهره در آن به چشم می‌خورد.<sup>۳</sup> کندی اصطلاح «أئیت» را دومرتبه در مبحث فلسفهٔ اولی در بررسی کلیات خمس (نوع، جنس و فصل و عرض عام و عرض خاص) استعمال می‌کند. سیاق این متن نشان می‌دهد که پیشینهٔ استعمال «أئیت» توسط او به سنت عربی رسالهٔ ایساغوجی فروریوس برمی‌گردد، اثری که در آن، «فصل» حکایت از نوع خاصی از کیفیت (ποιότης) دارد که «أئیت» می‌تواند معادل عربی مناسب این اصطلاح را به دوش بکشد.<sup>۴</sup>

1. M. □ A. Abū Rīda's 1950

2. A.F. al-Ahwānī (1948)

3. See Kitāb al-Kindī ilā l-Mu □ taṣ im bi-llāh fī l-falsafa al-ūlā, in Rasā □ il al-Kindī al-falsamniyya, ed. M. □ A. Abū Rīda, vol. I, Dār al-Fikr al- □ Arabī, Cairo 1950, pp. 97-162, p. 129, 12, 14; cf. Kitāb al-Kindī ilā l-Mu □ taṣ im bi-llāh fī l-falsafa al-ūlā, ed. A.F. al-Ahwānī, Dār Iḥ yā □ al-kutub al- □ arabiyya, Cairo 1948, p. 107, 14, p. 108, 1. R. Rashed and J. Jolivet (Œuvres philosophiques et scientimnques d'Al-Kindī. Volume II. Mé taphysique et Cosmologie, par R. Rashed et J. Jolivet, Brill, Leiden-Boston-Köln 1998, pp. 1-117) endorse the reading ayiyya (p. 49, 12, 14), translating it as "quellette" (the siglum "alif" associated with anniyya in the critical apparatus must hence refer, at least in this case, to al-Ahwānī's edition, rather than Abū Rīda's). A.L. Ivry (Al-Kindī's Metaphysics. A Translation of Ya □ qūb al-Kindī's Treatise "On First Philosophy" (fī al-Falsafah al-ūlā), State University of New York Press, Albany 1974, p. 82) translates ayiyya in Abū Rīda's edition as "quality".

4. In (Œuvres philosophiques et scientimnques d'Al-Kindī. Volume II. Mé taphysique et Cosmologie cit., the "Notes complémentaires" 6 (pp. 101-102) and 48 (p. 106) indicate in Porphyry's Isagoge p. 11, 6-12 and In Cat. p. 95, 17-20 (Porphyrii Isagoge et in Aristotelis Categorias Commentarium, ed. A. Busse, CAG IV.1, Reimer, Berlin 1887) the background of Kindī's use of ayiyya. The term ποιότης occurs, within the discussion of specific difference, in Isagoge 8, 17. Whereas the Latin translation of Boethius (Aristoteles Latinus, Categoriarum supplementa, Porphyrii Isagoge translatio Boethii et anonymi fragmentum vulgo vocatum "Liber sex principiorum", edidit Laurentius Minio-Paluello adiuvante Bernardo G. Dod, Desclée de Brouwer, Bruges 1966, p. 15, 2) renders this term faithfully as "quality" (qualitas), the Arabic translation of Abū Uḥ mān al-Dīmašqī (Manḥ iq Arisṭ ū, ed. □ A. Badawī, 3 voll., Maktabat Dār al-Kutub al-miṣ riyya, Cairo 1948-1952, vol. III, p. 1036, 17; cf. K. Gyekye, Arabic Logic: Ibn al-Ṭ ayīb's Commentary on Porphyry's Eisagoge, State University of New York Press, Albany, NY 1979, p. 105) provides a looser rendering with "nature" (ṭ abī □ a). On ayyun as a translation of ποι ὄς, see GALex, pp. 688-689.



کندی خود در شرح کتاب المجسطی بطلمیوس (فی الصناعات العظمی) و اسحاق اسرائیلی در کتاب الحدود و الرسوم و یحیی بن عدی در مقاله فی البحوث الاربعه العلمیه عن صناعات المنطق، ما را با سیاق دومی آشنا می‌کنند که اصطلاح «أئیت» در آن نقش مهمی در اندیشه عربی ایفا می‌کند که نشان می‌دهد ادبیات مقدماتی فلسفه اسلامی، ساختار و محتوای خود را، از شروع و تفاسیر یونانی آثار ارسطو در دوران باستان متأخر به ارث برده است. در مقدمه‌های یونانی نوشته شده بر مجموعه آثار ارسطو شامل چهار مقدمه‌ای است که به ترتیب موارد زیر را مورد بحث قرار می‌دهد: مسائل عام فلسفه به طور کلی، رساله ایساغوجی فُرفوریوس به طور خاص، مجموعه آثار ارسطو به طور کلی و دیگر آثار او به طور خاص که با مقولات ارسطویی آغاز می‌شوند. در نخستین این مقدمات، چهار مسئله بنیادینی که توسط ارسطو در کتاب آنالوطیکای ثانی (مبحث برهان) بخش B، شماره ۱، مطرح شده‌اند - برای مثال، همان‌طور که در بازانیشی و بازآرایی شرح تامسطیوس<sup>۱</sup> بر آنالوطیکای ثانی (مبحث برهان) آمده است - با هدف فراهم آوردن زمینه‌ها و پیش‌نیازهای لازم برای ورود به مطالعات عمیق‌تر فلسفی به کار گرفته شده‌اند. ما به کارگیری این چهار مسئله بنیادین در تمهیدات الیاس<sup>۲</sup> و داود<sup>۳</sup> برای فلسفه که بر مینا و پایه اثر مفقود شده استادشان المپیودوروس<sup>۴</sup> نگاشته شده است را می‌توان مورد مذاقه قرار داد. به موجب این تفصیل، پرسش «أَنْ» (أَنْ) در متن ارسطو جایگزین پرسش «أیُّ شیء هو؟» (ὅποιόν τί) شده است و از این رو، مسئله‌ای که در ابتدای گفتار ارسطو طرح شده بود، در موضع پایانی تری مطرح می‌شود. در ارتباط با این الگوی یونانی در آثار مذکور یعنی آثار کندی، اسحاق اسرائیلی و یحیی بن عدی، اصطلاح «أئیت» به‌عنوان یک ویژگی برجسته و کلیدی در پرسش «أیُّ شیء هو؟» (یا به اختصار أیُّ)، به کار رفته است.<sup>۵</sup>

1. Themistius

2. Elias

3. David

4. Olympiodorus

5. See F. Rosenthal, "Al-Kindī and Ptolemy", *Studi Orientalistici in onore di G. Levi della Vida*, Istituto per L'Oriente, Rome 1956, vol. II, pp. 436-456 (also in Id., *Science and Medicine in Islam. A Collection of Essays*, Variorum, Aldershot, 1990, IV), p. 441; Isaac Israeli. *A Neoplatonic Philosopher of the Early Tenth Century. His Works Translated with Comments and an*

در مرحله فعلی این پژوهش، به دلیل اینکه دو سیاقی که این اصطلاح در آن به کار رفته، ظاهراً به هم مرتبط و وابسته هستند، ارزیابی اینکه آیا ابن سینا از طریق گام اول یا گام دوم نهضت ترجمه به زبان عربی با این اصطلاح آشنا شده، دشوار می‌نماید. در واقع، در مباحث مقدماتی، هم در یونانی و هم در عربی، پرسش «أیُّ شیء هو» صراحتاً با نقش شناختی «فصل»، همان‌گونه که در رسالهٔ ایساغوجی بحث شده، مرتبط است.<sup>۱</sup> در رابطه با تدوین و انتشار این مفاهیم و اصطلاحات مرتبط به این حوزه به زبان عربی، کندی موقعیت سترگ و قابل توجهی را از آن خود کرده است. تا آنجا که اطلاع دارم، تنها کندی است که اصطلاح «أئیت» را در هر دو سیاق استعمال کرده است. او قطعاً نقشی اساسی در انتقال این ایده از منابع یونانی به اسحاق اسراییلی (یکی از شارحان مکتب کندی) داشته است؛ و از آن جهت

Outline of his Philosophy by A. Altmann, S.M. Stern, Oxford University Press, London 1958; rist. Greenwood Press, Westport Connecticut 1979, pp. 13-14, 17 18; M.-Th. d'Alverny, "Anniyya-Anitas" cit., pp. 68-71. D'Alverny surmises ayyiyya to be the Arabic equivalent of the term *qualitas* ("quality" in Altmann and Stern's translation, p. 11) that appears in the Latin translation of Isaac Israeli's Book of Demnitions, whose Arabic original is lost (pp. 69-70). On p. 71, she discusses the relevant occurrence of ayyiyya in Yaḥyā ibn Adī's Treatise on the Four Scientific Questions regarding the Art of Logic (cf. G. Endress, *The Works of Yaḥyā ibn-Adī. An Analytical Inventory*, Reichert, Wiesbaden 1977, pp. 42-43). The occurrence of ayyiyya in al-Kindī's commentary on the *Almagest* is discussed in *Œuvres philosophiques et scientifiques d'Al-Kindī. Volume II. Méta physique et Cosmologie*, cit., p. 106, ad n. 48. On ayyu with following genitive, or ayyu šay' in, as a translation of ὁ ποιός, see GALex, pp. 691-692.

۱- مقاله الأولى، [الفصل الأول] به همراه سه فصل دیگر، مجموعاً مقدمات کتاب الهیات را تشکیل می‌دهند (در این چهار فصل، ابن سینا به بررسی موضوعات معمول نظیر موضوع، غایت، سودمندی، اصطلاحات، جایگاه در نظام علوم و تبیین مابعدالطبیعه می‌پردازد رجوع شود به (Bertolacci, *The Reception* cit., pp. 169-170). استعمال اصطلاح «أئیت» در عنوان این فصل نمی‌تواند با چهار پرسشی که در ادبیات مقدماتی مورد بحث قرار گرفته‌اند، مرتبط گردد، از این رو، ابن سینا سه پرسش دیگر را در این بخش نادیده می‌گیرد و چارچوب مقدماتی که در اینجا مطرح می‌شود، مقدمه‌ای است برای آشنایی با مفاهیم کلی فلسفه، نه صرفاً برای معرفی بخشی خاص از فلسفهٔ ارسطو، مانند مابعدالطبیعه. در مقابل، سستی که «أئیت» را با بحث رسالهٔ ایساغوجی مرتبط می‌کند (در رابطه با استفاده احتمالی رسالهٔ ایساغوجی در بازنویسی ابن سینا از ایساغوجی در الشفاء رجوع شود به (below, nn. 37-39)، به نظر می‌رسد تأثیر قاطع‌تری بر ابن سینا داشته است. اگر چه «مطلب این» توسط ابن سینا هنگام بازنویسی آنالوطیقای ثانی در شفا مورد مواجه قرار گرفته است (رجوع شود به 9، 5، 261، I، 5، p. 68 passim; IV، 1، p. 261، 5، 9)، به نظر نمی‌رسد که او «أئیت» را در سیاق دوم استعمال کرده باشد.

(see Al-Burhān min Kitāb al-Šifā cit., I, 5, p. 68 passim; IV, 1, p. 261, 5, 9), he does not seem to use the term ayyiyya in this latter context.

که او نخستین مؤلفی است که این اصطلاح را در مابعدالطبیعه استعمال کرده است، می‌توان او را الگوی بی‌واسطه ابن‌سینا در استعمال این اصطلاح در متن نخست قلمداد کرد.

اگر توافق داشتیم باشیم که خوانش ما در عنوان مقاله الأولى [الفصل الأول] الهیات شفا، جایگزینی «أئیّت» در جای «أئیّت» باشد، و اگر خواستگاه آن را با سنت عربی رساله ایساغوجی فروریوس مرتبط بدانیم، می‌توان این پرسش را مطرح ساخت که آیا دست‌کم برخی از موارد استعمال اصطلاح «أئیّت» در تصحیح فعلی بازنویسی ابن‌سینا از رساله ایساغوجی در کتاب شفا، مواردی که در این سیاق به بحث از فصل می‌پردازد، تحریفاتی از خوانش اصلی «أئیّت» هستند یا خیر؟ در واقع، اکثر بیست و دو مورد ثبت شده از استعمال اصطلاح «أئیّت» در فرهنگ موضوعی این نسخه، به بحث ابن‌سینا پیرامون «فصل» اشاره دارد.<sup>۱</sup> علاوه بر این، در ترجمه لاتینی تمامی موارد استعمال این اصطلاح، به‌استثنای یک مورد، همگی شامل صفت آیّ (quails) در اصطلاحاتی نظیر ماهیت شی (quale quid) یا ماهیت وجود (quale esse) هستند. این اصطلاح بیانگر آن است که مترجم/مترجمان لاتینی، احتمالاً با واژه‌های عربی در نسخه/نسخ عربی مور استفاده خود برای ترجمه برخورد کرده باشند که در بردارنده اصطلاح «أئیّ» بوده است.<sup>۲</sup> احتمال تحریف «أئیّت» به «أئیّت» در منطق شفا با مندرجات موجود در المدخل، مقاله الأولى الفصل الثامن (فصل فی قسمه اللفظ المفرد الکلی إلى أقسامه الخمسه) و المدخل، مقاله الأولى الفصل الثالث عشر (فصل فی الفصل) مورد تأیید قرار می‌گیرد. در این دو مورد، در هنگام بحث از فصل، ابن‌سینا در سه موضع، اصطلاح چاپ‌شده «أئیّت» را با پرسش «أئیّ شیء هو» مرتبط می‌سازد.<sup>۳</sup> تنها تصحیحات انتقادی آتی از متن عربی و ترجمه لاتین مدخل ابن‌سینا، و پژوهش‌های نظام‌مند و تحلیل‌های عمیق مبانی موجود در این اثر، امکان اعتبار این فرضیه را ممکن می‌سازد؛ فرضیه‌ای که در حال حاضر در حد حدسی مقبول باقی می‌ماند.

1. Al-Sifā, al-Manṭiq, al-Madḥ al, ed. Ḡ. S. Qanawātī, M. Al-Huḍayrī, A.F. Al-Ahwānī, Al-Maṭbaʿa al-amīriyya, Cairo 1952, p. 126; see the survey in Alonso Alonso, "La "al-annīya" de Avicena" cit., pp. 377-378.

2. This feature of the Latin translation is noticed by Goichon, Lexique cit., pp. 10-11.

3. Al-Sifā, al-Manṭiq, al-Madḥ al cit., p. 44, 14; p. 46, 2-3; p. 77, 13.

## نتیجه‌گیری

نوع پژوهش ارائه شده در این مقاله ظرفیت لازم برای گسترش و بسط بیشتر در زمینه‌ها و حوزه‌های مرتبط را دارد. اگر فردی آثار ابن‌سینا را از منظر هم‌زمانی بررسی کند، ممکن است بخواهد، برای مثال، استعمالات «أئیت» در روان‌شناسی ابن‌سینا را به طور دقیق مورد پژوهش قرار دهد. همان‌طور که گذشت، این اصطلاح به معنای «ماهیت، حقیقت» بوده و استعمال کمتری در آثار منطقی و مابعدالطبیعی او دارد. محققان برجسته، برگردان اصطلاح «أئیت» در سیاق روان‌شناسی به «أنائیت» و اصطلاحات مرتبط با آن مطرح کرده‌اند.<sup>۱</sup> آنها همچنین اشتقاق اصطلاح «أئیت» از ضمیر شخصی «أنا» (من) را در این موارد مطرح کرده‌اند.<sup>۲</sup> از آنجا که خود ابن‌سینا به نوعی رابطه خاص میان «أنا» (من) و «أئیت» در بحث

1. Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., p. 102a: "Ce fait rend le gite la traduction du terme a/inniyya dans ces passages par «moi» ou «je» que plusieurs exegetes ont suggere" (with references to Gardet, Pines, d'Alverny and Lucchetta). See Goichon, Lexique cit., p. 11: "(l'homme) sait que son haecceite (son «je») existant pour mieux dire [= anniyya] est quelque chose"; Avicenna, Epistola sulla vita futura cit., p. 140, n. 1: "L'anniyya si potrebbe tradurre «egoita»". Of the five occurrences of anniyya in the Risāla Adhāwīyya, Lucchetta translates three as "io" ("I") (p. 13, 8, p. 141, 1, p. 143, 6; cf. "entita", p. 147, 8, "anniyya", p. 145, 9).

این گرایش برای برگردان «أئیت» با ضمیر شخصی، ریشه در مترجم لاتینی قرون وسطی دارد. این مترجم، اصطلاح «وجود ائیهاتیه» در کتاب النفس ابن‌سینا (Arabic Text) cit., V, 7, p. 255, 9) را به «se esse» (p. 162, 55) برگردانده است که «esse» با وجود و «se» با «أئیت» متناظر است. رجوع شود به:

(the "Lexique arabo-latin" in Liber de Anima seu Sextus de Naturalibus, IV.V. Édition critique par S. Van Riet. Introduction par G. Verbeke, PeetersBrill, Louvain-Leiden 1968, p. 216b). S. Pines, "La conception de la conscience de soi chez Avicenne et chez Abu'l-Barakat al-Baghdadi", Archives d'Histoire Doctrinale et Littéraire du Moyen Âge, 29, 1954, pp. 21-98,

مترجم این استعمال از «أئیت» را به «propre moi» برگردانده است و در حالی که همین اصطلاح را در موضعی دیگر به «e'tre» برگردانده است. رجوع شود به:

Abū l-Barakāt al-Baḡdādī's Kitāb al-Muṭtabar (ibid., p. 67), he remarks (ibid., n. 7): "Une autre traduction serait: son moi".

این نوع برگردان از استعمال «أئیت» در سیاق مابعدالطبیعه نیز اعمال شده است. رجوع شود به:

J. Janssens, "Avicenne", in Le vocabulaire des philosophes, ed. J.-P. Zarader, vol. V: Supplements I, Ellipses, Paris 2006, pp. 13-64, p. 28: "la plénitude du «Je suis» divin (anniyya)".

2. See Pines, "La conception de la conscience de soi" cit., p. 26, n. 1. M.E. Marmura, "Avicenna and the Problem of the Infinite Number of Souls", Medieval Studies, 22, 1960, pp. 232-239, pp. 238-239: ". . .

برداشت او از «أئیت»، اصطلاحی که از ضمیر شخصی اول شخص مفرد «أنا» به معنی «من» مشتق کرده است، ممکن است برگردان دقیق آن «أنائیت» باشد: cf. Marmura, p. 383.

شیوه نگارش ابن‌سینا در این فصل نشان می‌دهد که اصطلاح «أئیت» برای او (دست کم در این مبحث) از ضمیر شخصی اول شخص مفرد «أنا» که به معنای «من» است، مشتق شده است، همان‌طور که اصطلاح «هویت» از ضمیر شخصی سوم شخص مفرد «هو» مشتق شده است.

پیرامون یکی از مشهورترین برهان‌های روان‌شناختی خود («انسان معلق») اشاره می‌کند، شاید بتوان پرسید که آیا «أُتیت» در این مورد و موارد مشابه، می‌تواند از منظر ابن سینا با «أنا» (من) ارتباط خاصی داشته باشد، نه با «أنا» و شاید همین ارتباط خاص - که در نگاه اول در سیاق منطقی یا مابعدالطبیعی چندان محتمل به نظر نمی‌رسد - بتواند توضیح‌دهنده دوگانگی استعمال این اصطلاح توسط ابن سینا باشد. از منظر سیر تحولات تاریخی، از سوی دیگر، بررسی بیشتر اینکه آیا محققان لاتینی قرون وسطی با اصطلاحی لاتینی به معنای «أُتیت» یا «هلیت» (anitas) روبرو بوده‌اند که دو معادل متفاوت در زبان عربی داشته است که اگر چنین بوده و اینکه امر چه آثار و پیامدهایی در پی داشته خواهد داشت، می‌تواند فتح بابی شایان توجه برای بحث و بررسی‌های بیشتر باشد. از سوی دیگر، آنان با اصطلاح لاتینی «anitas» آشنا بودند که معادل «أُتیت» در ترجمه لاتینی الهیات شفا ابن سینا است (ترجمه‌ای که محتملاً توسط گوندیسالوی<sup>۲</sup> در نیمه دوم قرن دوازدهم میلادی در

Hasnawi, "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)" cit., p. 102a, adopts a more cautious attitude: "elle [i.e. a/inniyya] peut être considérée e comme rendant l'inspiration générale de ces passages où le term anā = moi est souvent prononcé, mais rien n'indique qu'il faille en conclure qu'a/inniyya y est positivement dérivé de anā, comme cela est explicitement le cas chez certains mystiques".

اگر «أُتیت» از ضمیر شخصی اول شخص مفرد «أنا» مشتق شده باشد، آنگاه نگارش آن باید «أناویة» (مشابه مشتق شدن «دنیایویة» از «دنیا») یا «أنائیة» (مشابه مشتق شدن «سمائیة» از «سما») باشد؛ و در صورت چنین اشتقاقی، نگارش «أُتیت» بسیار غیر معمول و بی سابقه خواهد بود.

<sup>۱</sup>- ابن سینا در باب چهارم رساله «اضحویه» که در آن «أُتیت» مکرراً استعمال شده است، با این گفتار آغاز می‌کند: «هنگامی که انسان مناسب دید که در مورد چیزی که به خاطر آن «او» (هو) خوانده شود و خود را «من» (أنا) خطاب می‌کند، تأمل نماید...»:

(Avicenna, Epistola sulla vita futura cit., p. 141, 2-3: "Quando all'uomo capita di riflettere sulla cosa per cui si dice di lui «egli» e per cui egli dice di se stesso «io» . . . .").

اسم معنی «هویت» که از ضمیر شخصی «هو» مشتق شده است، سه مرتبه در این متن استعمال شده است:

(Avicenna, Epistola sulla vita futura cit., p. 13, 10-11).

در بخش دیگری از باب چهارم، ابن سینا به ارتباط میان «أُتیت»، نه تنها با ضمیر «هو»، بلکه با حرف «ان» اشاره می‌کند:

«... مفهوم «أُتیت» ... آن چیزی است که از آن (ان) [آن مرد] «او» (هو) فهمیده می‌شود.»

(Avicenna, Epistola sulla vita futura cit., p. 145, 9: ". . . il significato di anniyya . . . è . . . quella cosa dalla quale si sa che è «egli»").

تولد و صورت گرفته است)،<sup>۲</sup> اصطلاح مرکبی که حاصل ترجمه بخش نخست معادل عربی (أنا-إنا برگردان لاتین -an) و ترجمه بخش دوم آن (برگردان پسوند اسم معنی -إیت، به معادل لاتین -itas)<sup>۳</sup> است. از سوی دیگر، آنها محتملاً در ترجمه لاتینی ژرار کرمونایی<sup>۴</sup> از الحدود و الرسوم<sup>۵</sup> اسحاق اسرائیلی و رسائل إخوان الصفا<sup>۶</sup> با اصطلاح «anitas» برخورد داشته‌اند که می‌توان گفت برگردانی است از «هلیت»، نه «أیت» که در این برگردان، هم بخش اول این اصطلاح (برگردان ادات استفهام هل - به معادل لاتین -an) و هم پسوند عربی «إیت» (-itas) به درستی برگردانده شده‌اند.<sup>۷</sup>

امید است پژوهش‌های آتی رویکردهای همسو و هم‌راستا با مباحث مطرح شده در این مقاله را دنبال کنند. تصحیح اصطلاح مورد بحث «أیت» در اینجا، نشان‌دهنده پذیرش و شناخت ابن سینا نسبت به اصطلاحی دیگر - یعنی اسم معنی «أیت» - است که بیش از یک قرن پیش از وی، در آنچه حلقه مترجمان کندی نام گرفته، به عنوان بخشی از واژگان متکثر این حلقه، وضع و جعل شده بود. ابن سینا این اسم را به کرات در بخش منطقی مهم‌ترین و تأثیرگذارترین اثر فلسفی خود و حتی در گذرگاهی کلیدی و محوری در بخش مابعدالطبیعی همان اثر نیز مورد استعمال قرار داده است. پذیرش این اصطلاح توسط ابن سینا به خودی خود از اهمیت بسزایی برخوردار است، چرا که روشنگر بُعدی ناشناخته از

1. Toledo

2. A. Bertolacci, "A Community of Translators: The Latin Medieval Versions of Avicenna's Book of the Cure", in *Communities of Learning: Networks and the Shaping of Intellectual Identity in Europe 1100-1500*, ed. C.J. Mews, J.N. Crossley, Brepols, Turnhout 2011, pp. 37-54.

3. Alonso Alonso, "La "al-anniyya" de Avicena" cit., p. 402, n. 24, and Goichon, *Lexique* cit., p. 10, notice the corruption of anitas in unitas in the Venetian 1508 edition of Avicenna's works;

در خصوص ریشه این سنت تحریف متون و تصحیح پیشنهادی «anitas» به «entitas» توسط «Godefroy de Fontaines» رجوع شود به: d'Alverny, "Anniyya-Anitas" cit., p. 78, n. 67, p. 91 and n. 122.

4. Gerard of Cremona

5. Liber de definitionibus

6. *introductionis in artem logicae demonstrationis*

7. This hypothesis is advanced by Altmann and Stern, Isaac Israeli. A Neoplatonic Philosopher cit., p. 10, §1 ad lin. 10, p. 13 and n. 2, and corroborated by d'Alverny, "Anniyya-Anitas" cit., pp. 69-70. On these translations, see C. Burnett, "Arabic Philosophical Works Translated into Latin", in *The Cambridge History of Medieval Philosophy*, ed. R. Pasnau, Cambridge University Press, Cambridge 2010, pp. 814-822, p. 394 and nn. 35, 39.

ادبیات فلسفی ابن سینا است. نظر به ارزیابی انتقادی فارابی و در پی آن ابن رشد، نسبت به اصطلاحات به کاررفته توسط کندی، به همراه دفاع از هستی‌شناسی ارسطو در برابر الگویی از تمایز بین ماهیت و وجود که ریشه در نو افلاطون‌گرایی<sup>۱</sup> دارد، رویکرد پذیرشی ابن سینا نسبت به «أئیت» و «هویت» و اصطلاحات مشابه (که اکنون می‌توان «أئیت» را نیز به آن افزود)،<sup>۲</sup> البته در سطح اصطلاح‌شناسی، می‌تواند ناظر به رهیافت و رویکرد همه‌جانبه‌تر او نسبت به سنت فلسفی عربی باشد. به دیگر بیان، استعمال اصطلاح مجعول «أئیت» کندی در عنوان مقاله‌ای که مبانی معرفتی («وجود به‌ماه‌وجود» به‌عنوان موضوع مابعدالطبیعه) و روش‌شناختی آن (الزامات معرفت‌شناختی کتاب آنالوطیقای ثانی) آشکارا از منظومه فکری ارسطو - از طریق نقش کلیدی و محوری فارابی در انتقال آن<sup>۳</sup> - وام گرفته شده‌اند، خود بیانگر تداوم عقبه الگو و نظام فکری مکتب فلسفی کندی در چارچوب مابعدالطبیعی است که به‌وضوح بر اساس معیارهای ارسطویی و فارابی‌پی‌ریزی شده است. بدین نحو که در این تفسیر از «ملکه علوم»، مواضع و مبانی بنیادین فلسفی، عمدتاً بر اساس خوانش فارابی از «مابعدالطبیعه» ارسطو بنا شده‌اند، اما پیوستگی آن با سنت و مکتب فکری کندی منتفی نشده است، به‌گونه‌ای که بقایای دیدگاه کندی درباره مابعدالطبیعه، خود را کم‌وبیش چه در قالب اصطلاح‌شناسی و چه در مبانی معرفتی و ساختاری نشان می‌دهند.<sup>۴</sup>

1. See S. Menn, "Al-Fārābī's Kitāb al-Hurūf and His Analysis of the Senses of Being", *Arabic Sciences and Philosophy*, 18, 2008, pp. 59-97; Id., "Fārābī in the Reception of Avicenna's Metaphysics: Averroes against Avicenna on Being and Unity", in *The Arabic, Hebrew and Latin Reception of Avicenna's Metaphysics. Proceedings of the Conference held at Villa Vigoni (Menaggio, Como), 2-6 July 2008*, ed. D.N. Hasse, A. Bertolacci, De Gruyter, Berlin 2012, pp. 51-96. In the first essay, Menn includes ayyiyya (as well as limiyya, "whyness", and aysa, "being") among the Kindian terms "which did not survive into the standard Arabic philosophical lexicon" (p. 92): if the analysis proposed here is correct, Menn's contention—at least with regard to Avicenna—should be nuanced.

2. Avicenna's resuscitation of another term of Kindian coinage (aysa, "being") is aptly remarked by J. Janssens, "Al-Kindī: The Founder of Philosophical Exegesis of the Qur'ān", *Journal of Qur'anic Studies*, 9, 2007, pp. 1-21, p. 6 and n. 35.

3. I have dealt with this topic in *The Reception cit.*, pp. 111-147, and "Avicenna and Averroes on the Proof of God's Existence and the Subject-Matter of Metaphysics", *Medioevo*, 32, 2007, pp. 61-97.

۴- برای اطلاع از میزان تأثیر کندی بر مابعدالطبیعه ابن سینا، رجوع شود به:

my "From al-Kindī to al-Fārābī: Avicenna's Progressive Knowledge of Aristotle's Metaphysics according to his Autobiography", *Arabic Sciences and Philosophy* 11.2, 2001, pp. 257-295, and the data gathered in Bertolacci, *The Reception cit.*, pp. 461-462..

این امر را می‌توان دلالتی آشکار از تلاش سترگ ابن سینا در جهت تلفیق مکاتب فکری مختلف به شمار آورد که نه تنها در مابعدالطبیعه، بلکه در دیگر حوزه‌های اندیشه او متجلی شده است.<sup>۱</sup>

تغییر یک حرف در واژه‌ای که آغازگر رساله چند صد صفحه‌ای مابعدالطبیعی است، نه تنها درک بهتری از مفهوم عبارتی که آن واژه در آن واقع شده به دست می‌دهد، بلکه دیدگاه انسجام‌یافته‌تری نسبت به واژگان و اصطلاحاتی که مؤلف در نگارش خود به کار گرفته و همچنین شناخت عمیق‌تری از جهت‌گیری‌های نظری و گرایش‌های مکتبی او فرا روی ما می‌گشاید. من این امر را به‌عنوان نمونه‌ای بارز قلمداد می‌کنم که چگونه کاوش در لایه‌های زبانی و معنایی متن یک اثر، زمینه‌ساز درک عمیق‌تر ما از روح آن اثر و نیز جایگاهش در تاریخ فلسفه را فراهم می‌آورد و لذا پیش‌نیازی ضروری برای شناخت ارزش‌های فلسفی آن اثر است.

## ضمائم

### استعمال «أثبتت» و «أنیبت» در الهیات شفا ابن سینا

- ۱) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۳، بند ۷.
- ۲) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۵، بند ۱۷.
- ۳) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۷، بند ۴.
- ۴) المقالة الأولى [الفصل الأول] ص ۱۳، بند ۱۲.
- ۵) المقالة الثامنة [الفصل الرابع] ص ۳۴۴، بند ۱۰.
- ۶) المقالة الثامنة [الفصل الرابع] ص ۳۴۴، بند ۱۱.
- ۷) المقالة الثامنة [الفصل الرابع] ص ۳۴۶، بند ۱۲.
- ۸) المقالة الثامنة [الفصل الرابع] ص ۳۴۶، بند ۱۳.

1. A harmonizing tendency can be detected also in Avicenna's zoology with regard to Aristotle's biology and Galen's medical theory (see R. Kruk, "Ibn Sīnā on Animals: Between the First Teacher and the Physician", in Avicenna and His Heritage. Proceedings of the International Colloquium "Avicenna and his Heritage", Leuven-Louvain-la-Neuve, 8-11 September 1999, ed. J. Janssens and D. De Smet, Leuven University Press, Leuven 2002, pp. 325-341; F. Sanagustin, Avicenne (XIX siècle), the oricien de la me decine et philosophe— Approche e piste mologique, Presses de l'Ifpo, Damas 2010).



- ۹) مقاله الثامنه [الفصل الرابع] ص ۳۴۷، بند ۱.
- ۱۰) مقاله الثامنه [الفصل الرابع] ص ۳۴۷، بند ۲.
- ۱۱) مقاله الثامنه [الفصل الرابع] ص ۳۴۷، بند ۵.
- ۱۲) مقاله الثامنه [الفصل الخامس] ص ۳۵۴، بند ۱۲.
- ۱۳) مقاله الثامنه [الفصل السادس] ص ۳۵۸، بند ۱.

## کتاب‌شناسی

۱. ابن سینا، الشفاء، المنطق، المدخل، تحقیق جورج شحاته قنواتی، محمود الخضیری، احمد فواد الاهوانی، المطبعة الأميریه، قاهره. ۱۹۵۲.
۲. الشفاء، الهیات (۱)، تحقیق جورج شحاته قنواتی، سعید زاید، هیئة العامة لشؤون المطابع الامیریة، القاهرة ۱۹۶۰؛ الشفاء، الهیات (۲)، تحقیق محمد یوسف موسی، سلیمان دنیا، سعید زاید، هیئة العامة لشؤون المطابع الامیریة، القاهرة. ۱۹۶۰.
3. Die Metaphysik Avicennas enthaltend die Metaphysik, Theologie, Kosmologie und Ethik, ü bersetzt und erläutert von M. Horten, Leipzig 1907; repr. Minerva, Frankfurt am Main 1960.
4. Avicenne, La Mé taphysique du Shifā. Livres I a V. Traduction, introduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1978; Avicenne, La Mé taphysique du Shifā. Livres de VI a X. Traduction, notes et commentaires par G.C. Anawati, Vrin, Paris 1985.
5. Avicenna (Ibn Sīnā), Metamnsica. La Scienza delle cose divine (al-Ilāhiyyāt) dal Libro della Guarigione (Kitāb al-Šifā), a cura di O. Lizzini e P. Porro, Bompiani, Milano 2002, 2006.
6. Avicenna, The Metaphysics of The Healing. A parallel English-Arabic text translated, introduced, and annotated by M.E. Marmura, Brigham Young University Press, Provo (Utah) 2005.
7. Libro della Guarigione, Le Cose Divine di Avicenna (Ibn Sīnā), a cura di A. Bertolacci, UTET, Turin 2007.
8. d'Alverny, M.-Th., "Anniyya-Anitas", in Mé langes okferts a E. Gilson, ed. Pontificā Institute of Medieval Studies of Toronto, Vrin, Paris 1959, pp. 59-91.
9. Bertolacci, A., The Reception of Aristotle's Metaphysics in Avicenna's Kitāb al-Šifā: A Milestone of Western Metaphysical Thought, Brill, Leiden-Boston, 2006, pp. 483-485.
10. Id., "On the Manuscripts of the Ilāhiyyāt of Avicenna's Kitāb al-Šifā", in Islamic Thought in the Middle Ages. Studies in Text, Transmission and Translation, in Honour of Hans Daiber, ed. A. Akasoy, W. Raven, Brill, Leiden 2008, pp. 59-75.
11. Frank, R.M., "The Origin of the Arabic Philosophical Term anniyya", Cahiers de Byrsa, 6, 1956, pp. 181-201.

12. A Greek and Arabic Lexicon: Materials for a Dictionary of the Mediæval Translations from Greek into Arabic, ed. G. Endress, D. Gutas, Brill, Leiden, in progress.
13. Hasnawi, A., "Anniyya ou Inniyya (essence, existence)", in Encyclopédie philosophique universelle. Publié sous la direction d'A. Jacob, vol. II: Les notions philosophiques, Presses Universitaires de France, Paris 1990, pp. 101-102.

